

سرکوب پناهجویان بوسیلهٔ بشر دوستان

اوضاع پناهجویان در شهر مرزی وان در ترکیه

در حال حاضر چند هزار پناهجوی ایرانی و عراقی در وان ترکیه، در شرایط ناگواری بسر میبرند. بخش قابل توجهی از اینان پناهجویان کرد و بخش دیگر، اقلیت‌های مذهبی و مخالفین سیاسی رژیم‌های ایران و عراق، یا کسانی هستند که از جهنم جمهوری اسلامی گریخته و بدنبال یک زندگی بهتر و انسانی‌تر اواره گشته‌اند. بخشی از این پناهجویان در وان مستقر شده و میکوشند تا از طریق کار ارزان امراش معاش کنند. وضعیت زنان و کودکان در میان این پناهجویان بشدت نگران کننده است. دفتر کمیساریای عالی پناهندگان در وان مسئولیت تامین اولیه پناهندگان را نمی‌پذیرد. این نهاد که مسئول تامین نیروی کار ماهر و ارزان برای کشورهای اروپایی است تجارب تلخی از حرکات اعتراضی پناهندگان دارد. از همین رو سازمان ملل، محل استقرار پناهندگان را از انکارا به شهر مرزی وان منتقل کرد. نفوذ پلیس و باندهای مافیایی ترکیه در سیستم اداری دفتر پناهندگی سازمان ملل اوضاع ویژه‌ای در انجا ایجاد کرده است. شبکه‌هایی یافت میشوند که با دلالی سیاسی و واسطه‌گری میان کارمندان این دفتر و پناهجویان پولهای کلان به جیب میزنند. باندهایی از تبهکاران وقاچاقچیان به اشکال مختلف از وضعیت اقشاری که به ان منطقه می‌آیند سود می‌جویند. طی ماه گذشته در میان پناهجویان شایعه دیپورت احتمالی آنان به ایران بشدت قدرت گرفت. گفته میشود که پلیس از پناهندگان خواسته است تا با پاسپورت های خود به مرکز پلیس مراجعه نمایند.

پناهندگان و بشر دوستان راست و چپ

در سالهای قبل اعتراضات پناهجویان به نهادها و کشورهای پناهنده پذیر و سیاست های ضد انسانی آنان شکل غالب حرکات پناهندگی بود. این حرکات از سوی افشاگر ماهیت ارتجاعی و سرکوبگر رژیم سرمایه داری اسلامی بود و از سوی دیگر همین نقش را نسبت به نهادهای به اصطلاح حقوق بشر غرب داشت. نیروهای اپوزیسیون رژیم اسلامی هم میکوشیدند تا در این اعتراضات دخالت کرده و با سوار شدن بر اعتراضات پناهجویان، با دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی «دیالوگ» برقرار ساخته و در کنار ان به باز تولید تشکل خود پردازندبا پیگیری کامل موج ایدئولوژیک لیبرالیسم جدید و از مد افتادن خط بندی های عقیدتی، این نیروهاکوشیده‌اند تا «بدور از خشونت» در چارچوب «کمک‌های بشر دوستانه» به جمع‌آوری پول و پتو و دارو پرداخته و انرا به شیوه «عاقلانه‌ای» یعنی از طریق نهادهای رسمی دولتی و یا با نظارت احزاب پارلمانی اروپا بدست پناهندگان برسانند. بطور مثال در آخرین اقدامی که از طرف اپوزیسیون ملی گرای ایران صورت گرفت مقداری پول و دیگر مایحتاج به ترکیه انتقال یافت که به گفته پناهجویان وان هنوز سرنوشت این «کمک انسانی» نامعلوم است. در ابتدا حول چگونگی توزیع کمکهای مزبور میان افراد اعزامی از سوئد اختلاف ایجاد شده بود. گویا عده‌ای از آنان خواستار تحویل کمکها به پلیس ترکیه بوده‌اند تا پلیس و دفتر کمیساریای پناهندگی به توزیع ان اقدام کند. در مقابل، عده‌ای «چپ‌گرا» نیز خواستار اقدام مستقیم و «مستقل» بوده‌اند. راه حل دسته اول نهایتا پذیرفته شده و کمکها به تحت نظارت پلیس ترکیه در می‌آید. در میان پناهجویان وان شایعات متفاوتی در باره این کمکهای انسانی براه افتاد و کماکان تداوم دارد. هر انسانی با آگاهی متوسط اجتماعی امروزه این حقیقت را دریافته است که دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی و ملی بشر دوست در پی چه چیزی هستند. میدانند که این بازی سیاسی چه مفهومی دارد. در وان نیز پناهجویان بدنبال کشف «کلکی» هستند که در پس این اقدامات انساندوستانه نهفته است. ریشه شایعاتی که تا به امروز دهان به دهان گشته را باید در این حقیقت جستجو کرد. فعالین اقدامات یاد شده و پناهجویان وان در جریان جزئیات این شایعات هستند و نیازی به باز گو کردن انها نیست. این سیاست نولیبرالی احزاب اپوزیسیون ایران و ناسیونال چپ‌ها در عرصه جنبش پناهندگان

گهگاه و انجا که اعتراضی رخ میدهد، با دشواری مواجه میشود. حرکت اخیر یونان نمونه‌ای از آن است.

سرکوب «بشر دوستانه» پناهجویان در یونان

تعدادی از پناهجویان ایرانی در یونان دست به تحصن اعتراضی در مقابل دفتر کمیساریای عالی پناهندگان در یونان زدند تا شاید این نهاد را وادار به عقب نشینی کرده و برای یکبار هم که شده دفتر یونان را مجبور به پذیرش قوانین خود این نهاد سازند. این تحصن از ۱۰ تا ۳۱ مارس بطول انجامید. در ۳۱ مارس پناهجویان متحصن مورد حمله پلیس قرار گرفتند. بار دیگر در ۴ اپریل این حمله بصورت وحشیانه تری تکرار شد. ۱۱ نفر از متحصنین دستگیر و بازداشت شدند. اینان پس از ۲۴ ساعت به دادگاه تحویل داده شدند. پس از آن نیز پلیس پناهجویان را به سفارت رژیم اسلامی برده و آنها را مجبور میسازد تا فرمهای سفارت را امضا کنند. این اقدامی بود برای آغاز دیپویت رسمی پناهجویان. نهادهای رنگارنگ حقوق بشری، شروع به اعتراض کردند. همه آنها از کمیساریای پناهندگان و «نهادهای حقوق بشر» خواستند تا جلوی اقدامات پلیس یونان را بگیرد.

واقعیت اما چیز دیگری بود. کماندوهای آموزش دیدخ به درخواست و دستور شخص رئیس دفتر کمیساریای عالی پناهندگان به متحصنین حمله کرده بود. اینکار در پی اقدامات قبلی دفتر برای کنترل و سرکوب پناهجویان صورت گرفت. این اقدام بار دیگر نشان داد که حقوق بشر و نهادهای آن ابزار سیاسی سرمایه داری غرب برای مقابله با بلوک شرق بود و امروز مصرف دیگری دارد. این اقدام بار دیگر نشان داد که رهبری و کنترل واقعی این نهادها در دست نیروهای امنیتی دول سرمایه داری است.

کمیساریای عالی پناهندگان: دفتر جلب نیروی کار ارزان

بورژوازی جنگ و اوارگی را ایجاد میکند، اما در کنار آن سازمانهای متعدد صلح و کمک به اوارگان نیز تاسیس مینماید. بورژوازی از استثمار نیروی کار زندگی میکند، اما در کنار آن اتحادیه کارگری و سازمان جهانی کار نیز بپا میکند. بورژوازی انگاه که نیاز به نیروی کار داشت و میتواند در سایه پیمان ناتو این نیاز را با الزامات سیاسی دوران جنگ سرد انطباق دهد، کنوانسیون ژنو را برای پناهندگان «سیاسی» ایجاد کرد. امروز که این الزام برطرف شده، مستقیماً به جلب نیروی کار ماهر در کشورهای پیرامونی مبادرت کرده و مقوله پناهندگی سیاسی را از این عرصه می‌زداید. کمیساریای عالی پناهندگان نام مستعار اداره امور کار و دفتر جلب نیروی کار ارزان متعلق به کشورهای امپریالیستی است. صرف نظر از شاخه بندهای سازمانهای جاسوسی کشورها برای جمع اوری اطلاعات از کانونهای بحران در درون این ارگان، جلب نیروی کار ماهر جنبه رسمی و علنی دارد. هیئت‌های نمایندگی کشورها با پناهجویی که توسط وکلای دفتر سازمان ملل پذیرفته شده بدقت مصاحبه میکنند. وضعیت سنی، سلامت جسمی و اهداف پناهجو را بررسی میکنند. برخی از هیئت‌ها مانند هیئت کانادا از پناهجو سؤال میکند که آیا او حاضر است با سازمان اطلاعات کشور همکاری کند یا نه. سازمان ملل اطلاعات جمع اوری شده در باره افراد را به دولت مربوطه تحویل میدهد. ارشبو دیگری برای خود دفاتر کمیساریای عالی پناهندگی وجود دارد که تمام اطلاعات مربوط به افراد و سازمانها در آن ثبت است. این امر ظاهر جهت ارزیابی کیس هاست. اما واقعیت روشن است. زمانی بین دولتهای غربی اسم صلیب سرخ تبدیل به اسم رمز اعزام کارشناسان و جاسوسان به مناطق جنگی شده بود. این امر در دوره جنگ سرد داغ بود. امروز اما کارشناسی اقتصادی و ارزیابی ظرفیتهای مناطق بحرانی برای سرمایه گذاری اولویت پیدا کرده است. نحوه عمل نهادهای بشر دوست در یوگوسلاوی و دیگر مناطق بحرانی پس از سقوط بلوک شرق اینچنین بود. کمیساریای پناهندگان ضمن سازماندهی اسکان نیروی کار ارزان، هر جا که لازم دیده اقدام به سرکوب اعتراضات پناهجویان کرده است.

پناهندگان و مهاجرین: تعلق طبقاتی در جامعه جدید

پناهجویان، چه سیاسی و چه غیر سیاسی، اوارگان نظم موجود هستند. بخشهای از پناهجویان، مهاجرینی هستند که با انتخاب خود برای زندگی بهتر کشورشان را ترک میکنند. محدودیت‌هایی که بورژوازی غرب در مقابل حق انتخاب محل کار و سکونت انسانها قرار داده، این طیف را ناگزیر میسازد تا جهت عبور از «موانع قانون» به سراغ دلالتان سیاسی و تولید کنندگان کیس‌های سیاسی با گاراتتی تاییدیه رفته و پس از معامله با آنان راه خود را پی گیرند. این طیف غالباً تعلق به طبقه متوسط و تکنوکرات کشور خود داشته‌اند و میکوشند تا این موقعیت طبقاتی را در کشور و جامعه جدید نیز حفظ کرده یا بدست آورند. اندسته از پناهندگانی که ناچار به ترک کشورشان شده و برای حفظ جان اواره شده‌اند در صورت پذیرفته شدن در کشور ثالث بناچار در صف بیکاران و استثمار شدگان، در صفوف تحتانی جامعه جدید قرار میگیرند. با این وجود موقعیت پناهجویان در جامعه جدید مبنایی برای ایفای نقش اجتماعی شان میگردد.

ریشه مسئله‌ای بنام پناهندگی در سرمایه داری، در مناسبات بین‌المللی دول سرمایه داری نهفته است. در ماهیت سرکوبگرانه این نظام و خصلت میلیتاریستی آن نهفته است. پدیده اوارگی و جنگ همزاد نظام طبقاتی است. آنان که به حق و حقوق پناهندگان می‌اندیشند اما به خطا مبدل به کارمندان بی‌مزد نهادهای انتگرسیون دول اروپا و یا مبدل به فعالین داوطلب اما مستقل صلیب سرخ و نهادهای دست ساخته عاملین این فجایع گشته‌اند در اشتباه هستند. هیچ اقدامی شایسته تر از مبارزه علیه ریشه این فجایع، یعنی نظام سرمایه داری نیست. اگر جنبش یا اعتراضی نیز میان قربانیان این نظام شکل گرفت باید به نیروی علیه نهادهای همین نظام بدل گردد. مقوله پناهجو تنها دوره کوتاهی از زندگی انسانها را توضیح میدهد. زندگی در یک جامعه طبقاتی. زندگی در جامعه‌ای مملو از سرکوب و تبعیض نسبت به اقلیتهای مختلف. جامعه‌ای که در آن دو طبقه اصلی آن در جدال دایم بسر میبرند. در چنین جامعه‌ای پناهجویان هم دیر یا زود جای مشخصی در چنین جامعه‌ای اشغال میکنند. راهی مشخص در مبارزه طبقاتی پیش میگیرند. در این معنا، صرف نظر اقشار تکنوکرات، پناهجویان و پناهندگان گردانهای ذخیره ارتش کار و سپس نیز متحدین طبقاتی کارگران کشور ساکن هستند. سرکوب وحشیانه پناهجویان توسط نهادهای پلیسی و حقوق بشری محکوم است. حق انتخاب محل کار و سکونت، بدون تعلقات ملی، نژادی و قومی و جنسی حق مسلم و طبیعی هر انسان است.